

بررسی نقش طبیعت بر حس شادابی ساکنین در مجتمع های مسکونی (راهکارهای بهبود روابط همسایگی؛ نمونه های مورد بررسی مجتمع اکباتان در تهران و مجتمع مهرگان در قزوین)

محمد بهزادپور - دانشجوی دکتری تخصصی گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گیلان، ایران

یوسف گرگی مهلبانی* - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

جمال الدین سهیلی - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران

چکیده

research investigates the role of nature in residential complexes, in sense of freshness and happiness of residents, by examining case studies in Ekbatan complex in Tehran and mehregan complex in Qazvin

Abstract

This research investigates the role of nature in residential complexes, in sense of freshness and happiness of residents, by examining case studies in Ekbatan complex in Tehran and mehregan complex in Qazvin. (In this study, happiness was examined from two point of views) The first is subjected to individual and is related to culture, insight and understanding of people and the two views are interrelated and affect each other. Then factors affecting the happiness were studied. It is important to note that the role of nature in creating happiness is basic and undeniable. Nature, as one of the factors in the design of open spaces in these complexes can be useful in the sense of vitality and calm environment and reduction of machine spirit of modernity. Eventually, the impact of nature in Ekbatan and Mehregan complexes were examined through questionnaires the result of questionnaires showed that high level of nature in Ekbatan has very significant impact on sense of happiness of people in the complex, and also the slight nature in Mehregan complex has very little impact on the sense of happiness of people Mehregan complex. According to the concept of happiness and factors affecting it, we shall say, the open nature of the residential complexes, as a gathering place, causes better so social interactions and better relationships between users, which will lead to greater happiness of the residents. In the past architectures, in order to perform these interactions, the nature in the yard was used but, in today's residential complex, there is less attention regarding meaning and quality of environment. With regards to the requirements of modern life "shortage and sometimes lack of natural elements, rush hours, noise pollution, advanced technology, fading close emotional relations of the resident in most good neighborly relations in residential complexes, and followed by social anomalies (crime) and identity crisis in settlements requires attention to the construction of residential areas with natural elements, for creating space for social interaction (more and better understanding of users towards each other) has attracted researcher's view. We can also say, nature as factor that can canes social, cultural, psychotically mobility of people in residential complexes, has been considered in this study. And according to the belief that man is part of the nature, causes his survival, and this valuable relationship is emphasized in Islamic teaching is one of the main points in this study the methodology described in this research is qualitative.

Key word: Nature-Residential complex-Social interaction-Happiness-freshness

این مقاله به بررسی نقش طبیعت در مجتمع های مسکونی بر میزان حس شادابی و سرزندگی ساکنین با بررسی نمونه های موردی مجتمع اکباتان در تهران و مجتمع مهرگان در قزوین پرداخته است. در این مقاله تعریف سرزندگی از دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفت. دیدگاه اول که بعد آن فردی است، مربوط به بینش، فرهنگ و ادراک مردم است و دیدگاه دوم به فضاهای شهری مربوط می شود که این دو دیدگاه با هم ارتباط متقابل دارند و از یکدیگر نیز تاثیر می پذیرند. سپس به بررسی عوامل موثر بر سرزندگی پرداخته شده که در این میان نقش طبیعت در ایجاد سرزندگی، نقشی اساسی و غیر قابل انکار است. وجود طبیعت به عنوان یکی از عوامل موثر در طراحی محوطه باز مجتمع ها می تواند جهت «ارتقاء حس سرزندگی، آرامش محیط و کاهش روح ماشینی مدرنیته» مفید واقع می شود. در نهایت تاثیر طبیعت موجود در مجتمع های مسکونی اکباتان تهران و مهرگان قزوین از طریق پرسشنامه ای که پایایی و روایی آن بررسی شده است، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی پرسشنامه حاکی از آن بود که میزان زیاد طبیعت در مجتمع اکباتان تاثیر بسیار قابل توجهی بر حس سرزندگی افراد در این مجتمع نیز داشته، همچنین میزان اندک طبیعت در مجتمع مهرگان، تاثیر بسیار اندکی بر روی حس سرزندگی ساکنین این منطقه داشته است. با توجه به مفهوم سرزندگی و عوامل موثر بر آن، باید گفت که طبیعت موجود در محوطه باز مجتمع های مسکونی به عنوان یک بستر و فضای گردهم آورنده، باعث تعاملات اجتماعی و روابط بهتر میان کاربران خواهد شد. که در نهایت این ارتباطات منجر به شادمانی بیشتر و حس سرزندگی ساکنین می شود. از متغیرهای این تحقیق می توان به: ۱- متغیر مستقل: طبیعت؛ ۲- متغیر مداخله گر: تعاملات اجتماعی؛ ۳- متغیر وابسته: سرزندگی اشاره کرد و داده های تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای و پرسشنامه جمع آوری و تجزیه و تحلیل گردیده اند. در معماری گذشته برای انجام این تعاملات، از طبیعت موجود در حیطه خانه ها استفاده می کردند ولیکن در مجتمع های مسکونی امروزی به علت عدم توجه به معنا و کیفیت فضایی، به آن کمتر توجه شده است. همچنین روش تحقیق در این مقاله توصیفی (علی- مقایسه ای) از نوع کیفی می باشد. در پایان نتیجه گیری لازم اشاره شده است.

واژگان کلیدی: طبیعت، مجتمع مسکونی، تعاملات اجتماعی، شادابی.

امروزه شهرنشینی و مجتمع‌سازی، پدیده‌های زنده و متغیر می‌باشد. این تحرک و زنده بودن خود تبعاتی به همراه دارد که شامل، سمومات فضاهای شهری و صنعتی است. طبیعت موجود در مجتمع‌های مسکونی همانند ریه‌هایی که عمل تنفس را آسانتر و میسر می‌سازد عمل می‌کنند. شاید مجتمعی که فاقد طبیعت باشد به مجتمع مردگان تبدیل شود و روابط همسایگی در آن تقلیل یابد. مقصود از این مقاله ایجاد طبیعت به منظور ریه‌های مجتمع‌های مسکونی که در زمینه شهرسازی مطرح می‌شود نیست، بلکه هدف اصلی از این پژوهش بررسی جنبه‌ی روانشناختی طبیعت و در پی آن تأثیر طبیعت بر حس سرزندگی، شادابی در مجتمع‌های مسکونی می‌باشد. باتوجه به این باور که انسان جزئی از طبیعت است و ارتباط نزدیکش با طبیعت، باعث ادامه حیات و دوام زندگی اوست و این ارتباط ارزشمند در تعالیم دین اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته، از اهمیت موضوع این تحقیق می‌باشد. به نوعی می‌توان گفت سرزندگی، حاصل شرایط محیطی و نوع درک ما از آن محیط است. تاکنون به ویژگی سرزندگی مجتمع‌های مسکونی در مطالعات، تحقیقات و پروژه‌های طراحی مجتمع‌ها توجه جدی نشده است و بیشتر مجتمع‌های مسکونی که امروزه دیده می‌شوند محیط‌های کسل‌کننده و غیر جذابی می‌باشند که هیچ انگیزه‌ای را در افراد برای رفتن و ماندن در آن مکان‌ها بر نمی‌انگیزاند. ایجاد فضاهای سبز در مجتمع‌ها به سلامت جسم و روان ساکنین کمک می‌کند تا مردمی که امکان استفاده روزمره از طبیعت در داخل شهر را ندارند، این امکان برای آنها در مجتمع‌های مسکونی خود فراهم شود. در این مقاله قصد بر این است که نقش فضای سبز در معماری معاصر را بر میزان حس سرزندگی ساکنین، در دو مجتمع مسکونی «اکباتان تهران و مهرگان قزوین» را از طریق پرسشنامه بررسی نماییم. به نظر می‌رسد که افراد ساکن در مجتمع‌های مسکونی، با واحدهای همسایگی هم ارزش اگر برای آنها زمینه مناسب ارتباطات وجود داشته باشد باهم رابطه‌ی اجتماعی بیشتر و بهتری خواهند داشت. دلیل آن، رابطه‌ی

مستقیم و یک به یک مردم نیست فرض بر این است، افرادی که چنین مناطقی را برای زندگی انتخاب می‌کنند، به دلیل همگونی ارزش‌ها تعامل بیشتری خواهند داشت و برای انجام این تعامل نیاز به بستری مناسب هست، که فضای سبز می‌تواند همان بستر برای تأمین روابط اجتماعی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی باشد. تحقیق ترنس لی در بریتانیا جنبه‌های ادراکی این مشاهده را تأیید میکند، مردمی که در یک منطقه همگون و یا به بیان لینچ در یک محله زندگی می‌کنند احتمال بیشتری دارد که تصویر ذهنی روشنی از محله‌ی خود داشته باشند. مجتمع‌های مسکونی می‌توانند با طبیعتی بکر و مناسب جهت نیل به اهداف مختلفی طراحی شوند اما نتیجه‌ی به دست آمده از طراحی‌ها چنین دقتی را نشان نمی‌دهد. در این موارد موضع گیری‌های متفاوتی وجود دارد، یکی از این مواضع این است که اگر در طراحی خواسته‌های مردم در نظر گرفته نشود محیط ساخته شده حاصل از آن، قابلیت تأمین تعامل اجتماعی را نخواهد داشت. در این صورت محیط مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و ساخت آنها موجب اتلاف سرمایه خواهد شد. موضع گیری دیگر این است که طراح باید بر مبنای روابط متقابل اجتماعی، فرصتهای لازم را هدف طراحی قرار دهد. و به این ترتیب امکان استفاده از سودمندی‌های تعامل اجتماعی را برای مردم فراهم آورد تا روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی به نوعی بهبود و افزایش یابد. امروزه بسیاری از آشفتگی‌های روحی جامعه از محیط‌های زندگی افراد ناشی می‌شود، گرچه رابطه خوب و بد افراد، علل مختلفی دارد اما از جمله مهمترین این علتهای، شرایط محیطی زندگی آنها می‌باشد. تأثیری که محیط بر ذهن آدمی می‌گذارد بی‌گمان بر رفتار و کردار او ظاهر می‌شود. نتایج آزمایشات صورت گرفته در محیط‌های زندگی، حاکی از آن است که اگر محیطی متشکل از عناصر طبیعی باشد حکایت از گرمی و جذابیت داشته که روح را شاداب و رفتار را صمیمانه‌تر می‌کند و برعکس، اگر محیطی بدون عناصر طبیعی باشد، روح و رفتار را سرد و بی‌نشان از زندگی می‌کند، در این ارتباط هسه می‌گوید وقتی که به طبیعت نزدیک می‌شوید می‌توانید صدای خداوند را بشنوید

(سرانو، ۱۳۶۲، ص ۲۹). بر اساس آثار بر جای مانده از خانه ها و سکونتگاه‌های کهن تاریخی که در هزاره‌ی ششم پیش از میلاد به بعد در بسیاری از نقاط ایران وجود داشته‌اند و همچنین آثار برجای مانده از برخی سکونتگاه‌های واقع در بین‌النهرین هر خانه به‌طور معمول از دو بخش (یکی فضای ساخته شده به عبارتی محصور و دیگری فضای باز) تشکیل می‌شدند. معماری سنتی و گذشته را می‌توان سرشار از مفاهیمی دانست که بر اساس فرهنگ، عقاید، محیط و بسیاری از مسائل دیگر به شکل کالبدی انسجام یافته و با توجه به نیازهای کاربران شکل گرفته است. در خانه‌های گذشته، طبیعت با قرارگیری در مرکز خانه، نقش بسزایی در تنظیم و انسجام فعالیت‌ها، حریم‌ها (امنیت)، تعاملات اجتماعی، هویت در سکونتگاه‌ها، روابط مطلوب همسایگی و در نهایت تنوع فضایی و طبیعی در محیط‌های زندگی ایفا می‌نموده است. ولیکن امروزه ساخت مجتمع‌های مسکونی همراه با طبیعت به دلایل گوناگونی همچون (نگرش کمی به مقوله مسکن، رویکرد سودگرایانه نسبت به زمین، عدم توجه به معنا، کیفیت فضایی و غفلت از تاثیر گذاری محیط بر روان و روابط انسانها) مورد کم لطفی و بی توجهی قرار گرفته است که این عدم توجه در مجتمع‌های مسکونی، مشکلات و تبعاتی به همراه داشته که در این مقاله به تاثیر این کم توجهی‌ها پرداخته می‌شود و در نهایت با تحلیل و بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی راه کارهایی جهت حل این مشکلات نیز باید مطرح گردد.

زندگی و معماری‌های مدرن امروزی در مجتمع‌های مسکونی بیش از هر زمان دیگری وحدت بین انسان و طبیعت را کم‌رنگ کرده، انسان معنا و مفهوم آرامشی را که در گذشته از محیط زندگی خود می‌گرفته را امروزه از دست داده است. همزیستی مسالمت آمیز و هماهنگ بین انسان و طبیعت از آغاز، به عنوان یک فرض یا پیش زمینه در قواعد راهنمایی معماری چین نیز مجسم بوده است. در مجموع اصطلاحات امروزه «پیوستگی انسان و طبیعت» یعنی فعالیت‌های انسانی، از جمله معماری، باید با فرایندها و الگوهای طبیعی یکپارچه شود تا هماهنگی میان انسان و طبیعت حاصل شود. در

عین حال طبیعت، نیز باید اصلاح شود و با عناصر مصنوعی ترکیب شود، تا بتواند با نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی انسان‌ها در منظر طبیعی، استقرار و همگرایی ایجاد کند (پناهی و کریمی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۶). به یقین روابط بین انسان و محیط دو طرفه می‌باشد. بر این اساس معمار باید از روابط بین، انسان و طبیعت آگاهی فراوانی داشته باشد تا بتواند اثری نیکو خلق کند. متأسفانه در مجتمع‌های مسکونی نه تنها به بعد معنوی طبیعت توجهی نمی‌شود، بلکه از نظر تامین نیازهای مادی نیز انسان از طبیعت دور بوده است. موانع اصلی در طراحی مجتمع‌های مسکونی و تیپ جدید سکونت (سکونت ماشینی)، نگاه مردم را به زندگی عوض کرده است. به تبع این تغییر نگاه، نوع خواسته‌های مردم از زندگی نیز عوض شده، بنابراین، تغییر در نوع خواسته‌های زندگی، روی کیفیت فضایی و روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی نیز تاثیر گذار بوده است. در نتیجه معماری، روز به روز از طبیعت فطرت انسان دور شده و مسکن امروزی فاقد فضایل و شئون انسانی شده است. فلذا برای احیای معنای خانه، باید با راهکارهای گذشته آشتی کرد. آشتی با گذشته بدین معنی نیست که عیناً از معماری سنتی تقلید کرد، بلکه بدین معنا می‌باشد که فضا و حال‌وهوای آن تیپ معماری را باز زنده سازی کرد. به عبارت دیگر معماری امروز را به لحاظ فرهنگی، فضایی و محیطی با طبیعت همسو کرد. چراکه طبیعت، مینا و اساس معماری سنتی و بومی بوده است. همچنین مؤثرتر آن است که استفاده کنندگان؛ مفهوم واقعی سکونت را درک کنند و نیازهای واقعی خود را از نظر فرهنگی و طبیعی بشناسند و در صدد تأمین آن نیازها گام بردارند. به این ترتیب می‌توان به جای پیروی کورکورانه و ناقص از معماری مدرن غربی (مجتمع‌های مسکونی) یا تقلید نادرست و سطحی از معماری سنتی، به ایجاد پیوند معماری امروز با معماری اصیل گذشته امیدوار بود (اکرمی و زارع، ۱۳۹۲، صص ۵۷-۵۶). از این روی با در نظر گرفتن ملزومات زندگی امروزی (کمبود و بعضاً فقدان عناصر طبیعی) لزوم توجه به ساخت مجتمع‌های مسکونی همراه با عناصر طبیعی، جهت ایجاد بستری برای برقراری تعاملات اجتماعی مطلوب، نظر محقق را به خود جلب کرده است.

همچنین می‌توان گفت، طبیعت به عنوان عاملی که می‌تواند پویایی اجتماعی، فرهنگی، روحی و روانی افراد را در مجتمع‌های مسکونی سبب شود، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. و با توجه به این باور که انسان جزئی از طبیعت است و ارتباط نزدیکش با طبیعت، باعث ادامه حیات و دوام زندگی اوست و این ارتباط ارزشمند در تعالیم دین اسلام نیز مورد تاکید قرار گرفته است نیز از اهمیت‌های مهم این تحقیق می‌باشد.

پس می‌توان چنین گفت که امروزه در مجتمع‌های مسکونی شاهد یک معماری به «اصطلاح متکبری» هستیم که با این ایدئولوژی (فقط من باید بدرخشم) تمامی طبیعت پیرامون خود را از بین برده است. در حالی که در گذشته طبیعت جزوی از معماری محسوب می‌شده است. عشق به طبیعت و صداقت، هر دو احساسات قوی از نبوغ آدمی هستند. ذات بشر به شکلی است که طبیعت را دوست دارد و به آن ایمان مطلق دارد و می‌توان گفت که انسان، جاه طلبی خود را محدود می‌کند تا به طبیعت وفادار بماند (Rodin, August, testament, 1840-1917). امروزه مفهوم خانه به معنای محصولی شبه طبیعی و پاسخگو به نیازهای معنوی و مادی انسان جای خود را به واحدهای مسکونی به عنوان نوعی محصول غیرطبیعی و مکانیکی داده است. بطوری که سکونت به معنای آرامش یافتن، جای خود را به اسکان به معنای مستقر شدن داده است (نصر، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

سیر تحول ارتباط با طبیعت

جدا شدن فضای سکونت از زمین و استقرار در ارتفاع، مشکل کمبود زمین در شهرهای بزرگ را حل می‌کند؛ اما انسان را از طبیعت و زمین دور می‌کند. این دوری پایدار نیست و خیلی زود انسان برج نشین به جستجوی گم گشته خود می‌پردازد. ساکنان ساختمان‌های بلند، علی‌رغم داشتن آخرین امکانات امروزی، زندگی در یک خانه دارای حیاط و باغچه را آرزو می‌کنند، حتی اگر این خانه قدیمی و فرسوده باشد. این خواسته در خیال ساکنین خانه‌های واجد باغچه و حیاط، تا از آن جدا نشوند، به آرزو تبدیل نمی‌شود (شرقی و محتشمی، ۱۳۸۶، ص ۱). در دوران کهن انسانها پیش از رسیدن

به مراحل تکوین فرهنگی و زندگی یکجانشینی از طریق شکار حیوانات ارتزاق می‌نمودند و با شروع فصل سرما به درون غارها پناه می‌بردند. با کشف نقاشی‌های درون غارهای آلتامیرا در اسپانیا و لاسکو در فرانسه به این مهم می‌توان رسید که معماری اولیه سکونتگاه‌های انسانها همان غارهایی بوده که در دل کوه‌ها قرار داشتند (زارعی، ۱۳۹۱، صص ۱-۲). از این روی می‌توان چنین گفت که انسان و معماری از ازل در دل طبیعت جای داشته‌اند، به عبارتی طبیعت تشکیل دهنده‌ی معماری بوده و در اینجا باید گفت که طبیعت بر معماری چیره بوده است. انسان از زمانی که پای از غار و تپه‌ها بیرون نهاد روی به دشت آورد، و به فکر ایجاد سرپناهی که دست ساز خویش باشد افتاد و با ورود به دوران کشاورزی با ایجاد پرچین‌ها، مرز کم رنگی میان قلمرو خود و محیط اطراف (طبیعت) و همچنین همسایگان خود ایجاد نمود و با استفاده از گل و الیاف گیاهان توانست برای خود سرپناهی فراهم آورد، بعدها گل طبیعی را به خشت مبدل ساخت. در دوره نوسنگی که از آن دوران، اریحا در اردن و چاتال هویک در ترکیه باقی مانده است، می‌توان اثرات خشت پخته را در معماری این مناطق مشاهده کرد (زارعی، ۱۳۹۱، ص ۸). در این دوران نیز طبیعت نقش اساسی در معماری داشته است، مصالحی که در ساخت بناها استفاده می‌شده از خود طبیعت بوده و فرم‌های معماری مصنوع شده از فرم‌های موجود در طبیعت بوده‌اند. با گذشت زمان نقش طبیعت در زندگی و محل سکونت انسانها کمرنگتر گشت ولیکن همچنان ارتباط غیر مستقیمی میان طبیعت و معماری پابرجا بوده در این دوران طبیعت با ورود به صحن خانه‌ها نمایان شد. طبیعت موجود در حیاط خانه‌ها به عنوان فضایی جهت تلطیف هوا و تنظیم کننده شرایط اقلیمی مناسب و از طرفی هم، ضامن زندگی کوچک و مانوس درونی در برابر فضای باز و ناامن بیرونی بوده است (بهزادپور و عبداللهی، ۱۳۹۴، ص ۴). در خانه‌های تاریخی ایران، معماری از طبیعت جدا نبوده و حضور نمایندگانی از طبیعت در درون سازمان فضایی خانه‌ها الزامی بوده است (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴).

حیاط مرکزی و طبیعت موجود در معماری سنتی



ایران که نقش اصلی و مرکزیت خانه را ایفا می‌نموده، بخشی از فعالیت‌های همگانی در آن محیط انجام می‌گرفت که مجموعه این فعالیت‌ها و اتفاقات باعث سازگاری اجتماعی بیشتر بین کاربران می‌گشت. و در نهایت ارتباطات و تعاملات باعث شناخت بهتر ساکنین در روابط همسایگی نسبت به یکدیگر بوده که این مهم جهت ایجاد حس امنیت و کاهش وقوع جرم و جنایت در آن محیط‌ها، تأثیری جدی داشته است (کلارک، ۱۳۸۷، ص ۳۵۰). با انقلاب صنعتی تحولی شگرف در زندگی انسانها رخ داد، انسان با نگاهی ابزاری به طبیعت سعی بر بهتر شدن زندگی خود بوده، حتی در دورانی مانند فتوریس‌ها (در ایتالیا) آنها با تهاجم به ارزش‌های کهن خواستار نابودی طبیعت و ماشینی شدن زندگی بوده‌اند (بانی مسعود، ۱۳۹۴، ص ۳۰۸). بامدرنیزاسیون شدن کشورها و تمایل به سکونت عمودی، طبیعت از زندگی انسانها حذف شده و بعضا انسان با نابودی طبیعت سعی بر ساخت اوتوپییای (مدینه‌ی فاضله) خود بوده است، که با گذشت زمان و تاثیراتی که این سبک معماری در مجتمع‌های مسکونی بر روحیات و رفتار ساکنین داشته و همچنین اتفاقاتی نظیر مجتمع پروئیت ایگو، می‌توان چنین برداشت کرد که انسان مدرن یک دیستوپییای (مدینه نازله) برای خود خلق کرده بود و در اینجا باید بر چیرگی معماری بر طبیعت اشاره کرد. طرح‌های انبوه ساخت (مجتمع‌های مسکونی) در کشورها طبق نظریات مدرن سعی بر اسکان دادن تعداد بیشتر افراد را داشته، که در اینگونه طرح‌ها طبیعت موجود در فضاهای زندگی حذف شده است. سایمون بل براساس مطالعاتش به این نتیجه رسید که پیوند با طبیعت براساس تجربه و علم با آن می‌تواند احساس بیگانگی را در مجتمع‌های مسکونی تقلیل دهد (بل، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴) ولیکن وی با خلق محیط‌های مصنوع، در برابر سرشت خود قد علم کرد و هرچه جلوتر رفت طبیعت را گسیخته‌تر، غارت کرد و سرشت خود را حقیر و حقیرتر کرد و آن عظمت وجودی خویش را با لایه‌هایی از ترس و حقارت عوض نمود و اندک اندک خود را در انبوهی از کلان شهرهای مرتفع بتنی پنهان نمود و رنگ‌های آبی و سبز رقصنده طبیعت را با رنگ‌های خاکستری دلمرده عوض نمود. تنها امر ضروری برای زندگی

«همهانگ با طبیعت» احترام به طبیعت می‌باشد. در گذشته انسان بسیار نزدیک به طبیعت بوده و رابطه صمیمی و درک متقابل آنها، منجر به هماهنگی و تعادل می‌شد. با گذشت زمان انسان رشد کرد و نگرش وی تغییر کرد و یاد گرفت، با توجه به محیط اطراف خود از آب و هوای نامساعد و دشمنان موجود در طبیعت از خود محافظت کند. غرور و احساس برتری و قدرت انسان‌ها، باعث شد که آنها ناخواسته دشمن طبیعت شوند. هرچه بشر از ریشه‌ی خود دورتر شد، فضای زندگی خود را خارج از وجود اولیه خویش ساخت. انسان از طبیعت خارج شد و هنوز نسبت به طبیعتی که ترک کرده احساس حسرت می‌کند که تاثیر این دوری را می‌توان در روابط همسایگی نیز مشاهده کرد. از این روی باید گفت که مجموعه عوامل بالا چرایی‌های لازم جهت انجام این مقاله می‌باشند و با رسیدگی به این مسائل شاید بتوان اندکی از آشفتگی‌های اجتماعی، روانی و روحی کاربران در مجتمع‌های مسکونی را کاهش و در راستای بهبود روابط همسایگی گامی موثر برداشت.

عوامل مؤثر بر حس سرزندگی

به منظور افزایش سطح سرزندگی و شادی باید اجزای شادی شناخته شوند. یکی از تازه‌ترین تحقیقات بیان می‌کند که شادی و سرزندگی از ۳ جزء تشکیل شده است. (الف- سهم عوامل ژنتیکی تقریباً ۵۰٪؛ ب- سهم شرایط محیطی تقریباً ۱۰٪؛ ج- سهم فعالیت‌های آگاهانه در حدود ۴۰٪ است). این فاکتورهای اصلی که ذکر شد، روی سطح دائمی شادی اثر خواهند گذاشت. این سه فاکتور عبارتند از: ۱- نقطه ثابت؛ ۲- شرایط زندگی؛ ۳- فعالیت‌های آگاهانه (با نیت قبلی) که در این پژوهش به فاکتور دوم و سوم پرداخته می‌شود:

۱. **نقطه ثابت:** بزرگترین سهم شادی در عوامل ژنتیکی است که این فاکتور را نقطه ثابت می‌نامند. یعنی سطح معین و ثابتی از شادی از والدین به ارث می‌رسد و موروثی می‌باشد.
۲. **شرایط زندگی:** جزء دوم شادی شرایط

زندگی است که شامل عوامل ملیتی، جغرافیایی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی منطقه ای است که فرد در آن زندگی می‌کند و همچنین شامل فاکتورهای جمعیت‌شناسی مانند سن، جنس و قومیت می‌باشد.

۳.

فعالیت‌های آگاهانه: شلدان این فاکتور را اینگونه تعریف می‌کند: این سطح، دسته وسیعی از فعالیت‌هایی است که مردم انجام می‌دهند یا در فکر انجام آنها هستند. رفتارها و فعالیت‌های فراوانی وجود دارند که افراد برای انجام آن‌ها وقت و انرژی صرف می‌کنند. این فعالیت‌ها مستلزم صرف انرژی هستند، یعنی به خودی خود این اتفاقات رخ نمی‌دهند. در واقع تفاوت اصلی بین فاکتور شرایط زندگی و فعالیت‌های آگاهانه، (اتفاقی بودن) آنها است. فاکتورهای شرایط زندگی تقریباً تصادفی هستند. اما فاکتورهای آگاهانه، در اختیار خود فرد می‌باشد. مانند ورزش منظم، محبت ورزیدن به دیگران، حضور در اجتماعات. که برای انجام همه این موارد ذکر شده به نوعی نیاز به یک بستر مناسبی هست. در غیر این صورت عملی رخ نخواهد داد (زارعی متین، احمدی زهرانی، حق‌گویان، ۱۳۸۸، ص ۹).

نقش فضای سبز در زندگی انسان

از نظر زیبایی‌شناسی تماشای درختان سرسبز و گل‌های زیبا و رنگارنگ و آرایش بدیع گونه‌های مختلف گیاهان که در ابعاد مختلف در کنار یکدیگر به چشم می‌خورد انسان را به آرامش و آسایش فکری می‌رساند و امروزه ثابت شده است که بعضی درختان با ترشح ماده ای به نام فیتونسید ایجاد یک حالت آرامش و خلسه در انسان می‌کنند. بنابراین فضای سبز در ایجاد تعادل عصبی انسان نقش عمده ای ایفا می‌کند. گیاهان با توجه به سیمای ظاهری خود می‌توانند در تزئین محیط و ایجاد چشم‌اندازی مطلوب کمک کنند. فضای سبز علاوه بر تلطیف و پاکسازی هوا، در

اصلاح و بهبود شرایط زیست محیطی شهر و شرایط طبیعی و ساختاری آن نقش مهمی دارد. با توجه به اهمیت طبیعت و تعادل اجزاء آن در کمک به رشد صحیح و مناسب روانی در دوران کودکی و نوجوانی لازم است تدابیر اصولی اندیشید تا این گروه سنی هر چه بیشتر با فضای سبز شهری مانوس شده و از مواهب کوتاه و دراز مدت آن استفاده نمایند. (صدر، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴). ساختمان‌های بلند و آسمان‌خراش‌ها، نشانه‌ای از پیشرفت تکنولوژی و دور شدن انسان‌ها از طبیعت دست‌نخورده می‌باشد. امروزه گسترش تکنولوژی به نحوی در روان و احساس آدمی، اثرات نامطلوب‌گذارده و همبستگی طبیعی را که انسان‌ها از آغاز با طبیعت داشته‌اند، به جدایی سوق داده و نتیجه اثرات آن، وجود فضاهایی فاقد تعلق مکانی، سرزندگی و نشاط در مجتمع‌های مسکونی و تبع آن انسان‌هایی عصبی، خسته و به ظاهر متحرک در جوامع بشری می‌باشد. احساس آرامشی را که انسان در سایه، به ویژه سایه یک درخت دریافت می‌کند، جذب‌گرد و غبار توسط درختان و در نتیجه تأثیر مستقیم بر سلامت جسم و به تبع آن سلامت روح و سرزندگی وی، تعدیل آب و هوا و فراهم نمودن آرامش جسمانی و روانی افراد، احیای بازی‌های سنتی در طبیعت فضای سبز به جای بازی در فضاهای مجازی کامپیوتری و همچنین تأمین منظر و چشم‌انداز زیبا از پنجره آپارتمان‌ها، بستری جهت تعاملات اجتماعی و در پی آن روابط مطلوب همسایگی، همگی می‌توانند از عوامل مهم و تأثیرگذار در ایجاد حس تعلق و سرزندگی در روحیه ساکنین مجتمع‌های مسکونی باشند و با توجه به اینکه که بسیاری از مجتمع‌های مسکونی فاقد فضا یا محوطه ای برای طبیعت و فضای سبز وسیع می‌باشند، لذا ضروری می‌نماید بر روی این مبحث ویژه کار کرد و به نحوی طبیعت زنده و سرسبز را با مظاهر تکنولوژی مدرن پیوند داد. حیاط مکان مناسبی برای اتباط انسان با عناصر طبیعی از جمله درخت و آب است. وجود طبیعت و حوض آب در حیاط منازل مسکونی با فرم‌های هندسی خاص؛ خود نمادی از بهشت مطلوب ایرانیان می‌باشد. اهمیت نمادین طبیعت و آب در بین مردم خاورمیانه به پیش از دوران اسلامی باز می‌گردد. قرآن کریم نیز بهشت را به باغی تشبیه کرده که در زیر آن

جوی هایی در جریان است و به مرکزیت آب در حیات موجودات تأکید کرده است. علی رغم بهره گیری از آب در قالب آبنا و فواره های کوچک که جنبه تزئینی داشته، حوض آب و طبیعت پیرامون آن خود در ایجاد ارتباط حیات با باغ ها و باغچه ها نقش بسزایی داشته است (نایی، ۱۳۸۱، ص ۵۰).

جدول ۱. تعاریف سرزندگی؛ ماخذ: نگارندگان.

تعریف	نظریه پرداز
یک خیابان سرزنده مکان برقراری برخوردها و تعاملات مفید بین افراد و تماشا کردن دیگران است.	جی جیکوبز
میزان سازگاری بین محیط و فعالیتهایی نظیر ملاقات با دیگران، تماشای مردم و خوردن است.	سوزان
امکان زندگی راحت در یک شهر می باشد.	الن جکوبز و دنلد ایلبارد
تأمین سلامت و بهزیستی افراد و بقای موجودات زنده با داشتن سه خصوصیت: (بقا، ایمنی و سازگاری) است.	کوبین لینچ
به نوعی هویت داشتن، وجود زندگی اجتماعی در شهر، خوشبختی و پیشرفت اجتماع و اشخاص و پایداری اکولوژیکی است.	سالزانو
امکان تماشای مردم و شنیدن صدای آنها، امکان گردهم آمدن غیر رسمی مردم در عرصه های عمومی، فرصت اجتماعی شدن برای کودکان و جوانان در عرصه های عمومی.	جان لنگ
تعاریف سرزندگی، ارائه شده در کنفرانس ها، مجلات و انجمن های متعدد	
میزان سازگاری یک محل با فعالیت های غالبش می باشد.	گروه کرمونا مکانهای زندگی،
سرزندگی کیفیت زندگی قابل تجربه توسط ساکنان یک شهر یا منطقه است که دارای ابعاد، قابلیت دسترسی، برابری و مشارکت می باشد.	گروه ونکوور؛ مباحثه گروه کاری ونکوور
داشتن هویت، پویایی، انعطاف پذیری و قابلیت تطابق با نیازهای جدید است.	انجمن معماری ایالات متحده انجمن سرزندگی.
داشتن هویت، پویایی، انعطاف پذیری و قابلیت تطابق با نیازهای جدید است.	یان گل و انجمن سرزندگی
کیفیت سرزندگی یک مکان برای فضاهای شهری موفق، پویایی، فعال بودن، امنیت، راحتی، تنوع و قابلیت سرگرم کنندگی تعریف شده است.	راهنمای مکان های عمومی

انسان کمک می کند. کریستوفر الکساندر ملاقات های گاه گاه و غیر رسمی را زمینه ساز توسعه دوستی ها و روابط روزمره مردم دانسته است که این امر تأثیر مستقیم بر روحیه و حس سرزندگی افراد دارد. تعامل اجتماعی (نگرش افراد، پیشینه های ذهنی و ویژگی های متفاوت ساکنین) را به یکدیگر نزدیک می کند. در مناطقی که شیوهی سکونت مردم متفاوت باشد مجاورت مکانی آنها در بهترین حالت منجر به سردی روابط و در بدترین شرایط منجر به خثومت می شود. در صورتی که، در محیط های محلی که تعاملات اجتماعی قابل توجهی وجود دارد میزان جرم و جنایت پایین تر است. اما از دلایل کاهش جرم و جنایت در این محیطها (وظایف و الزامات اجتماعی روشنتر، حمایت مردم از یکدیگر و از خود بیگانگی کمتر) است. همچنین گفته شده است که علاقهی مردم به مناطق مسکونی که، در آن همسایگان تعامل اجتماعی زیادتری دارند بیشتر است. در این مناطق وقتی که ساکنین تصمیم به جابه جایی می گیرند نقل مکان آنها با اندوه فراوان

از مشخصه های مشترک تعاریف بالا، می توان به موارد (امکان گردهم آمدن در عرصه های عمومی، تنوع و طیف کاربران، فضایی که مردم آن را برای درنگ، ماندن و ملاقات انتخاب کنند و قابلیت سرگرم کنندگی داشته باشند) اشاره کرد. طراحان تا حدودی می توانند خلوت و کنترل قلمرو مکانی را با طراحی مناسب تأمین نمایند که تعامل اجتماعی را برای ارتباط بیشتر کاربران برقرار سازند. برای توضیح مطلوب بودن تعامل اجتماعی دلایل زیادی وجود دارد. اصلی ترین دلیل این است که رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است، که این ضرورت را در مجتمع های مسکونی، می توان در محوطه باز و طبیعت موجود جست و جو کرد. هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است، دلیل دیگر این است که فعالیت هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت های مردم، با به وجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری، به رشد فردی

همراه است. همچنین واضح است که رابطه‌ی اجتماعی مردم تحت تأثیر تفاوت های فردی و شخصیتی آنها است. و پیشینه‌ی فرهنگی و انتظارات مردم نیز در آن مؤثر است.
جدول ۲. انواع سرزندگی و زیست پذیری از دیدگاه لاندری؛ ماخذ: Landry, 2000, 6

<p>۱- سرزندگی اقتصادی: توسط سطوح اشتغال، درآمد خالص و استانداردهای زندگی مردم در یک منطقه تحت بررسی، شمار سالانه گردشگران، عملکرد خرده فروشی‌ها، ارزش زمین و دارایی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.</p>	<p>انواع سرزندگی</p> <p>زیست پذیری: خود اکتفایی بلند مدت، پایداری، سازگاری، انطباق پذیر و خودحیایی</p> <p>سرزندگی: سطوح فعالیت، استفاده و مشارکت، تعاملات، ارتباطات، مبادلات و معاملات و سطوح نمایش (جگونی) تظاهر فعالیتها و تعاملات در جهان بیرونی)</p>
<p>۲- سرزندگی اجتماعی: به وسیله سطوح فعالیتها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده میشود. یک شهر سرزنده و زیست پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند به واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و یک جامعه شهری باطراوات توصیف گردد.</p>	
<p>۳- سرزندگی و زیست پذیری محیطی: دو جنبه را دربرمی‌گیرد. اول پایداری اکولوژیکی که در رابطه با متغیرهایی نظیر آلودگی هوا و صوت، دفع مواد زائد و فاضلاب، انبوهی ترافیک و فضاهای سبز قرار دارد و جنبه دوم، طراحی است که متغیرهایی مانند خوانایی، حس مکان، تمایز معمارانه، اتصال و ارتباط بخشهای مختلف شهر، کیفیت روشنایی و این که محیط شهری تا چه حد دوستانه، امن و به لحاظ روانشناسی نزدیک شدنی است را دربرمی‌گیرد.</p>	
<p>۴- سرزندگی و زیست پذیری فرهنگی: دربرگیرنده بقا، احترام و تجلیل از شهر و مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشنها اجتماعی، تولید، توزیع و مصرف محصولات دست بشر و نشانه‌هایی که بیانگر ماهیت متمایز شهر می‌باشد است.</p>	



چارلز لاندری مفهوم سرزندگی را به گونه‌ای متفاوت بررسی نموده؛ او سرزندگی و زیست پذیری را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده و به شکل موضوعی به مسئله پرداخته است. او ۹ معیار موثر را برای شناسایی یک شهر سرزنده و زیست پذیر برمی‌شمارد: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. او نسبت به افراد دیگر با دید جامع تری سرزندگی شهر را به شکل موضوعی بررسی کرده و به عمده عوامل موثر بر آن‌ها اشاره نموده است. جدول بالا چکیده مواردی است که لاندری به آنها اشاره نمود است (خستو، سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۶۶)

کاربرد طراحی طبیعت جهت تعامل اجتماعی کاربران در مجتمع های مسکونی

فضاهای سبز در معماری معاصر می‌توانند در محوطه باز مجتمع‌ها با طراحی مسیریایی با عرض کافی و لبه‌هایی مناسب برای توقف و دیدارهای اتفاقی و یا با قرار قبلی، شکل گیرند.

فضاهای نشستن و تجمع در محوطه های سبز مجتمع‌ها را می‌توان به گونه ای طراحی کرد، که مردم با فاصله‌ی راحتی از یکدیگر قرار گیرند، زمان و مکان مطلوب رابرای تعامل اجتماعی داشته باشند. نقاط مکث را می‌توان در تقاطع مسیرها قرار داد و یا مکانهای تامین نیاز روزمره‌ی زندگی مردم را در نقاط مرکزی مجتمع‌ها جانمایی کرد. چرا که اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند در هر محیطی زمینه‌ی آن را فراهم می‌آورند. ولیکن یکی از الزامات برای ایجاد تعاملات اجتماعی در دوره معماری معاصر برای هر قشر و فرهنگی ساختن بستری مناسب، جهت تعاملات اجتماعی است. که در آن باید عواملی چون «هندسه و شادابی و پویایی» فراهم باشد تا تعامل اجتماعی به نحو احسن رخ دهد. می‌توان گفت که در معماری معاصر، محیط های سبز با طراحی مناسب بسترخوبی برای این ارتباطات باشند. وقتی که فضای سبزی، برای فراهم آیی و بازی کودکان صورت می‌گیرد و مراقبت‌های طبیعی از طریق پنجره های مشرف به

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

محوطه (فضای سبز) تامین شود، و قابلیت انجام فعالیت‌هایی چون حرکت پیاده در مسیرهای کوتاه، ملاقات‌ها در تقاطع‌های فضاهای سبز و تعامل اجتماعی میان ساکنین بلوک‌های مسکونی وجود داشته باشد محیط زندگی، سرزنده‌تر و دوست داشتنی‌تر خواهد شد. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که مردم ساکن در خیابان‌های بن بست و یا محیط‌های باز مرکزی به همراه فضای سبز، نسبت به مردمی که در جوار خیابان‌های عبوری زندگی می‌کنند همدیگر را بهتر می‌شناسند. اگرچه ممکن است ساکنین به دنبال چنین هدفی نباشند. به این ترتیب نوع خیابان معیار مهمی به شمار نمی‌رود بلکه تعداد خانه‌ها، فضاهای سبز، عرض و طول خیابان، تقاطع پیاده راه‌ها و میزان ترافیک عبوری و چگونگی قرار گرفتن خانه‌ها در جوار خیابان و یا محوطه باز سبز از عوامل مهم به نظر می‌رسند. هرچه فضای سبز کمتر و ترافیک سنگین‌تر باشد زمینه‌های تعامل، به ویژه در مجتمع‌های مسکونی تقلیل می‌یابد. اگر ساکنان یک منطقه شخصیت همگون داشته باشند مجاورت مکانی به تماس‌های بیشتری منجر خواهد شد. قرارگاه‌ها و مکان‌های رفتاری در ساختمانها و محلات از نظر فراهم آوردن امکان تعامل اجتماعی به دو گونه تقسیم می‌شود: ۱. مکان‌هایی که با در نظر گرفتن امکان تعامل برای مردم ساخته شده‌اند؛ ۲. مکان‌هایی که در آنها تعامل اجتماعی حاصل مقاصد کارکرد دیگری است. برای مثال وقتی والدین در کنار فضاهای سبز مراقب کودکان خود هستند باب گفتگو را نیز باز می‌کنند و یا افرادی که در محیط‌های سبز آپارتمان‌های مسکونی خود ورزش و یا فعالیت می‌کنند ممکن است مشکلات را با یکدیگر مطرح کرده و درباره آن صحبت کنند. که این تعاملات، در روحیه ساکنین تاثیر گذار می‌باشد. همچنین استحکام نهاد خانواده‌ها وابسته به وجود روابط متقابل اجتماعی است. ایجاد حس قلمرو، مالکیت و تحریک رفتار قلمروپایی در فضاهای سبز، ساکنین مجموعه مسکونی نسبت به محیط ضروری است که به افزایش کارایی و بیشتر کردن ارتباطات و به بهبود امنیت و حس سرزندگی در ساکنین آن مجموعه می‌انجامد.

بررسی نمونه‌های موردی

پروژه مساکن مهر، بزرگترین طرح ملی مسکن

می‌باشد که به علت گستردگی طرح و نو بودن آن نیاز به بررسی نتایج حاصل از این تجربه احساس می‌شود. از اینرو هدف اصلی این پژوهش ارزیابی شادابی و سرزندگی و میزان رضایت مندی ساکنان از مجتمع‌های مسکونی مطروحه می‌باشد. با توجه به گسترش ساخت و ساز و مجتمع‌سازی (مساکن مهر) و اهمیت بالای تنش‌های ایجاد شده در واحدهای همسایگی مساکن مهر و عواقب نادیده گرفتن نیازهای اولیه انسان از جمله نیاز به تعاملات اجتماعی، طبیعت و تاثیر این مهم بر رفتار و روحیات ساکنین و همچنین عدم نشاط در این مجتمع‌ها، مجموعه‌ای از عوامل مهم جهت انجام این پژوهش در محدوده مجتمع‌های مسکونی می‌باشند. مجتمع‌های اکباتان در تهران و مهرگان در قزوین به عنوان نمونه‌های موردی در این پژوهش مد نظر قرار گرفته‌اند و اما دلایل اصلی انتخاب این مجتمع‌های مسکونی بدین شرح می‌باشد که هر دو مجتمع با کاربری یکسان مسکونی هستند ولیکن یکی مملو از طبیعت و دیگری خالی از طبیعت می‌باشد که عواقب و انعکاس این تناقض را می‌توان در حس سرزندگی، تعلق مکانی و در نهایت روابط مطلوب همسایگی در هر مجتمع جستجو کرد. از اینرو با توجه به پارادوکس ایجاد شده به بررسی کیفیت زندگی (حس سرزندگی) و تاثیر آن بر روابط همسایگی در هر دو مجتمع مسکونی پرداخته شد با مقایسه تطبیقی اثرات حضور یا عدم حضور عنصر طبیعت در مجتمع‌های مسکونی شناسایی شد و در نهایت راهکارهایی جهت حل مشکلات مطروحه در مساکن امروزی نیز ارائه گردید. مجتمع اکباتان با داشتن طبیعت فراوان، وضعیت مناسبی از نظر محوطه سازی دارد این در حالی است که در مجتمع مهرگان متأسفانه هیچگونه توجه و تمهیداتی نسبت به حضور طبیعت دیده نشده است و به عبارتی فاقد فضای سبز کافی می‌باشد که از اهداف دیگر این پژوهش، پرداختن به عدم حضور طبیعت در مساکن مهر و در پی آن بررسی عدم هویت در این سکونتگاهها می‌باشد. در نهایت جهت ارزیابی روابط همسایگی همچنین تأثیر طبیعت بر تعلق مکانی و حس سرزندگی کاربران در این دو مجتمع مسکونی نیازمند مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد که در این راستا مواردی که بر احساس تعلق و

سرزندگی افراد دخیل می‌باشند مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت. جهت ارزیابی تأثیر فضای سبز بر میزان حس سرزندگی افراد ساکن در این دو مجتمع پرسشنامه ای که پایایی و روایی آن بررسی شده است که شامل ۱۰ سوال است تدوین گردید. و در این راستا مواردی که بهنحوی بر احساس سرزندگی افراد دخیل بودند مورد پرسش قرار گرفتند. و پاسخها به صورت ۵ گزینه ای (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم) عنوان شدند.

تصویر ۱ الی ۳. مجتمع اکباتان تهران؛ منبع en.wikipedia.org/wiki/Ekbatan و www.maskanqazvin.ir



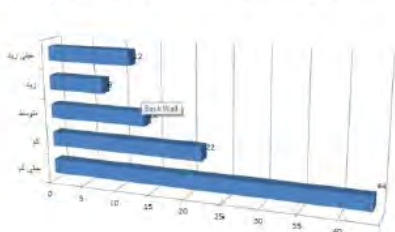
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

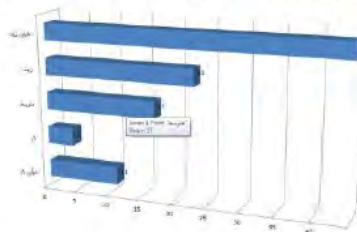
■ ۳۷۰ ■



آیا فضاهای نشیمن و تجمع در مجتمع شما، بر ارتباط میان کاربران و همسایگان مجموعه مسکونی شما تاثیر گذار است؟

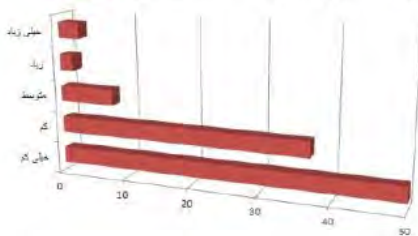


مهرگان

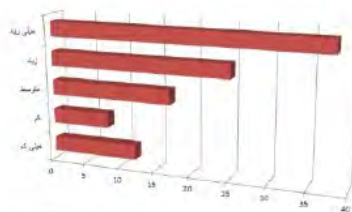


اکباتان

مجتمع مسکونی خود را با توجه به حضور طبیعت موجود در آن، تا چه حد سرزنده و با نشاط ارزیابی می کنید؟

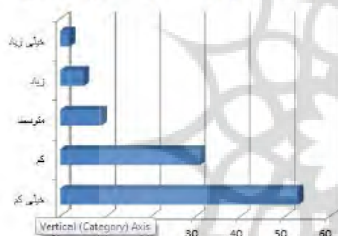


مهرگان

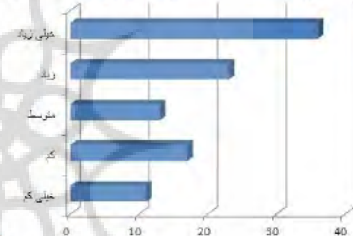


اکباتان

آیا طبیعت محل زندگی شما، بر گرایش به فعالیتهای گروهی و ورزش کردن شما و اهالی مجتمع مسکونی خود تاثیر گذار است؟

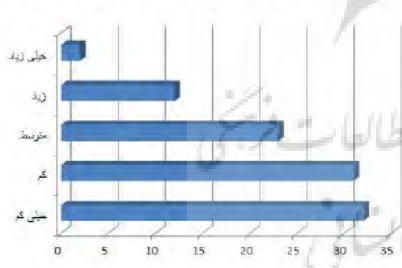


مهرگان

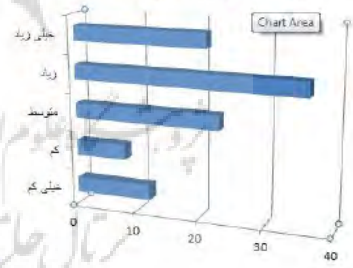


اکباتان

میزان رضایتمندی شما، از نظر (تنوع دید و منظر و خاطرات جمعی) از پارک ها و فضاهای سبز مجتمع خود چگونه است؟

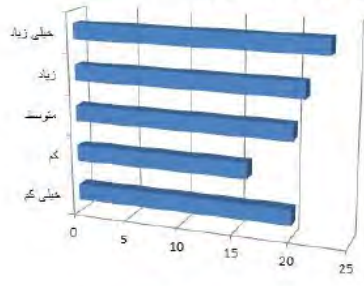


مهرگان

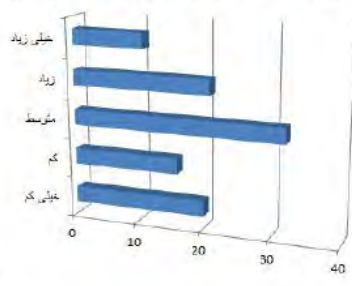


اکباتان

آسایش زیستی شما، حاصل از پاکیزگی مجتمع خود از نظر آلودگی هوا، به چه میزان است؟



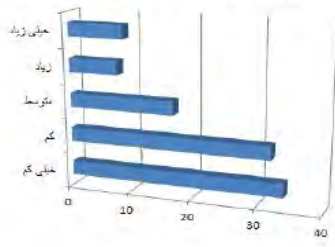
مهرگان



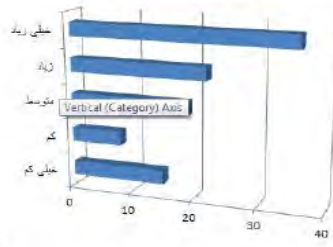
اکباتان

نمودارهای ۱ الی ۱۰. نتایج تحلیلی پرسشنامه (ارزیابی میزان شادابی و سرزندگی در مجتمع های مسکونی): ماخذ: یافته های تحقیق.

آیا وجود فضای سبز در مجتمع مسکونی شما، برای میل به بازی و تحرک در کودکان، موثر است؟

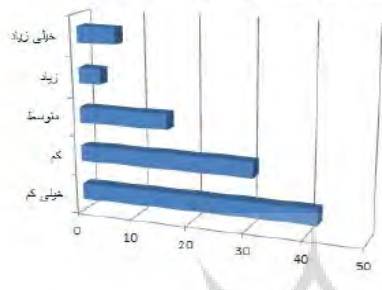


مهرگان

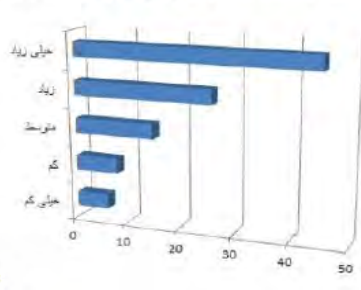


اکباتان

رضایتمندی شما به لحاظ آرامش روانی، از مسیرهای پیاده، در مجتمع مسکونی خود تا چه میزان است؟

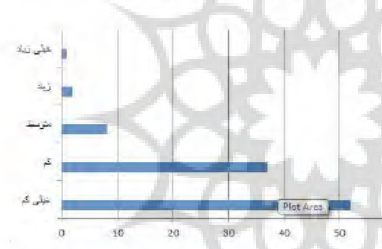


مهرگان

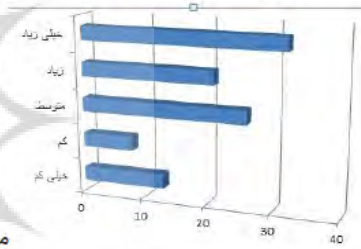


اکباتان

میزان مشرف بودن بلوک های شما، به طبیعت مجتمع مسکونی خود تا چه حد است؟

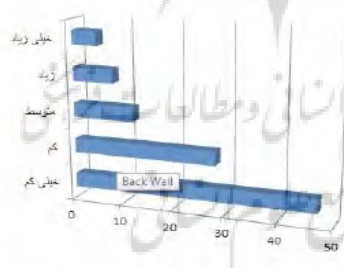


مهرگان

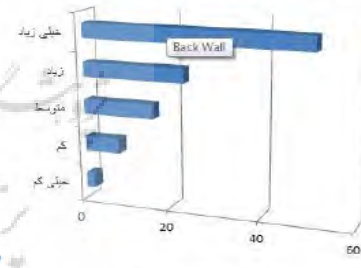


اکباتان

تاثیر وجود طبیعت، در بهبود روابط اجتماعی شما با واحدهای همسایگی مجتمع خود تا چه حد است؟

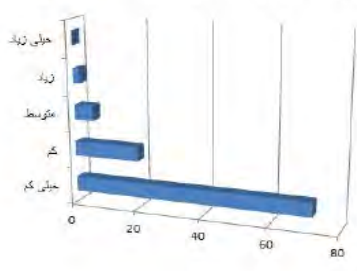


مهرگان

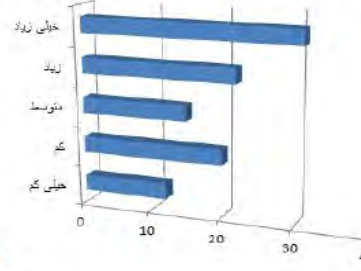


اکباتان

آیا مسیرهای دسترسی شما، به پارکینگ های مجتمع خودبا توجه به وجود حضور طبیعت جذابیتی دارد؟



مهرگان



اکباتان

نمودار ۱۱ الی ۲۰. نتایج تحلیلی پرسشنامه (ارزیابی میزان شادابی و سرزندگی در مجتمع های مسکونی): ماخذ: یافته های تحقیق.

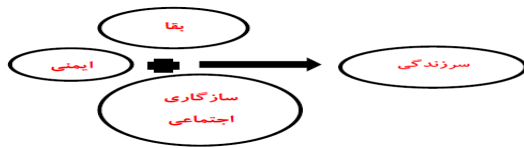
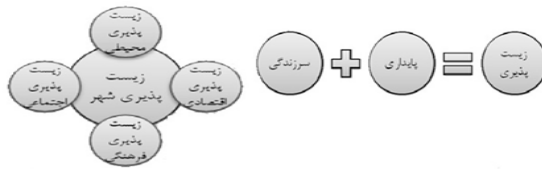
نتیجه گیری و جمع بندی

در قسمت بالا به بررسی پرسشنامه سرزندگی و شادابی در دو مجتمع (اکباتان- مهرگان) روی آورده ایم. و در پی آن به تحلیل و استنتاج پاسخ ها پرداخته ایم. که با استفاده از نرم افزار اکسل پاسخها به حالت کمی تبدیل شده اند تا برای رسیدن به یک نتیجه گیری نهایی و همینطور ارائه طرح پیشنهادی بتوانیم تصمیم گیری کنیم. نتایج حاصل از بررسی پرسشنامه ها در مجتمع اکباتان و مهرگان حاکی از تاثیر غیر مستقیم طبیعت بر حس سرزندگی ساکنین مجتمع ها را دارد. و هرچه میزان طبیعت در مجتمع های مسکونی بیشتر شود باعث میشود که افراد وساکنین با هم تعاملات بیشتری داشته و از واحدهای همسایگی خود شناخت بیشتری داشته باشند. از روی دیگری می توان گفت که کودکان انرژی خود را در فضای سبز و الحاقات مربوط به آن راحت تر تخلیه می کنند و همچنین طبیعت بستری را جهت تفریح، نشست و ورزش کردن برای بزرگسالان شکل میدهد. که این عوامل همگی بر حس سرزندگی ساکنین دخیل بوده است. در نتیجه مجتمع اکباتان با داشتن طبیعت زیاد ساکنین شاداب تر و سرزنده تر نسبت به مجتمع مهرگان که طبیعت آن کم است را دارا میباشد. با توجه به مفهوم سرزندگی و عوامل موثر بر آن، نقش طبیعت در مجتمع های مسکونی برای ایجاد حس سرزندگی، نقشی اساسی و غیرقابل انکار است، وجود طبیعت از جمله عوامل موثر در طراحی شهری جهت ارتقاء حس سرزندگی، آرامش محیط و کاهش روح ماشینی مدرنیته می باشد. از بررسی های به عمل آمده این مقاله در دو مجتمع اکباتان و مهرگان، این نتیجه حاصل شد که وجود طبیعت تأثیر غیرمستقیم بر حس سرزندگی ساکنین مجتمع داشته است، از این روی فرضیه ما که حضور طبیعت در مجتمع های مسکونی به عنوان یک فضای گردهم آورنده، باعث تعاملات اجتماعی بالاتر و در پی آن شادمانی بیشتر ساکنین در مجتمع های مسکونی می شود، را می توان مهر تأیید بر صحت آزمون فرضیه دانست. در این راستا مواردی مورد پرسش قرار گرفتند که همگی این موارد به نحوی بر احساس سرزندگی افراد دخیل بودند. جوابها و نتایج حاصل از این سوالات با توجه

به تحلیل و استنتاج نمودارهایی که در بالا آمده است نشان میدهد که مجتمع اکباتان که دارای طبیعت زیادی است، که این میزان طبیعت، تأثیر بسیار قابل توجهی بر حس سرزندگی افراد در این مجتمع را داشته است. که جنبه پاسخ مثبت به اکثر سوالات از جانب ساکنین در مجتمع مذکور، این مهم را تأیید می نماید. و همچنین طبیعت اندک در مجتمع مهرگان متقابلاً تأثیر بسیار کمی بر میزان حس سرزندگی ساکنین این مجتمع را داشته است. پس میتوان گفت که، بسیاری از خانه ها و حیاط های قدیمی که امروزه تخریب می شوند به همراه آنها فضاهای سبز نیز به علت رویکرد سودگرایانه نسبت به زمین از بین می روند و ساختمانها و خانه های جدید در مجتمع های مسکونی بدون در نظر گرفتن به طبیعت ساخته می شوند. در خانه های گذشته طبیعت موجود در حیاط، نقش بسزایی در محیط های زندگی ایفا می نمود. ولی امروزه طبیعت در سطح شهرها و پارکها ظاهر می شوند که در این صورت مشکلاتی عدیده ای به وجود می آید که عبارتند از:

- ۱- پارکها در دسترس همه بلوکها و واحدهای مسکونی نیستند؛
- ۲- باتوجه به این نکته که پارکها یک فضای عمومی شهری هستند، افراد از قشرها و فرهنگهای مختلف را می توان در این مکانها دید که خود این موضوع یک ناهنجاری اجتماعی به وجود می آورد. بنابراین پارکها و طبیعت شهری به اندازه فضاهای سبز حیاطها اثربخش و موثر نخواهند بود.

تصور می شود چیزی را که انسان در معماری گذشته «وجود طبیعت در حیاط» به آن رسیده بود امروزه در مجتمع های مسکونی بنا به دلایلی از دست داده است. بنابراین باید گفت که یکی از علتهای تغییر کاربری و نقش فضاهای باز در مجتمع های مسکونی «که فضای باز برای پارکینگ خودرو شده است»؛ همین فقدان طبیعت در عرصه حیاط بوده، چرا که اگر بستری جهت فضای گردهم آیی و ارتباطات محیا نشود این تعاملات به خودی خود رخ نخواهند داد. و در این صورت فضا پویایی و نشاط



خود را از دست خواهد داد و باید گفت که طبیعتهمان بستر برای تعاملات بوده که امروزه در مجتمع‌های مسکونی از بین رفته است. در این مقاله به این خروجی رسیدیم که در مجتمع‌های مسکونی با طراحی مناسب طبیعت در محوطه باز میتوان نقش گم‌گشته حیات تعاملات اجتماعی درخانه‌های معماری گذشته را به نوعی در محوطه باز مجتمع های مسکونی معماری معاصر احیا کنیم و در نهایت این تعاملات و روابط اجتماعی میان کاربران باعث ایجاد حس شادابی و سرزندگی ساکنین خواهد شد. در کلام آخر باید گفت که سرزندگی یک مجموعه در صورت پایداری به زیست‌پذیری مجموعه منجر خواهد شد.



منابع و ماخذ

- کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی.
- ۱۶- نصر، طاهره (۱۳۸۷) نگاهی به معماری ایران در دوره پهلوی، ماهنامه راه و ساختمان، شماره ۴۳.
- ۱۷- کلارک، رونالد (۱۳۸۷) نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، محمدحسن جعفریان، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره سوم.
- ۱۸- سید صدر، ابوالقاسم (۱۳۸۱) معماری فضای سبز (محوطه سازی)، تهران، سیمای دانش.
- ۱۹- خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹) نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶
- 20- www.maskanqazvin.ir/home-sales-view/id/32 Landry، Charles، (2000). "Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness"، Prince ClausFund
- 21- en.wikipedia.org/wiki/Ekbatan
- 22- anqazvin.ir/home-sales-view/id/32

- ۱- زارعی متین، حسن، احمدی زهرانی، مریم، حق گوین، زلفا، نقش دانشگاه در ایجاد عوامل موثر بر شادی (۱۳۸۸) مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۴۲/ سال سیزدهم، شماره ۲.
- ۲- لنگ، جان (۱۳۸۳) مترجم علیرضا عینی فر، آفرینش نظریه معماری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- جیکویز، جین، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران
- ۴- جان روس (۱۳۹۳) احیای سرزندگی فضاهای شهری، رویکردی نو در تقویت هویت ایرانی-اسلامی.
- ۵- لینچ، کوین (۱۳۸۱) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- پناهی، سیامک و کریمی، ارسلان (۱۳۹۴) فنگ شویی، تهران، انتشارات ادیبان.
- ۷- سرانو، میگوئل (۱۳۶۲) با یونگ و هسه، ترجمه سیروس شیمسا، انتشارات فردوسی
- ۸- بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر-الگو، ادراک فرآیند، بهناز امین زاده، تهران: دانشگاه تهران.
- ۹- چرمایف، سرچ؛ الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۳) عرصه های زندگی خصوصی و زندگی جمعی، منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰- بانی مسعود، امیر (۱۳۹۴) معماری غرب: ریشه ها و مفاهیم، چاپ هفتم، تهران: نشر هنر معماری قرن
- ۱۱- زارعی، محمدابراهیم (۱۳۹۱) آشنایی با معماری جهان، چاپ دهم، تهران: نشر فن آوران.
- ۱۲- ناییبی، فرشته (۱۳۸۱) حیاط در حیات، چاپ اول، انتشارات نزهت، تهران.
- ۱۳- حائری، محمدرضا (۱۳۸۸) خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۱۴- اکرمی، غلامرضا و زارع، فائزه (۱۳۹۲) طراحی خانه در بافت سنتی شهری، مطالعه موردی: طراحی در بافت سنتی قم، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۲.
- ۱۵- بهزادپور، محمد؛ عبداللهی، سعیده (۱۳۹۴) بررسی نقش حیاط در معماری گذشته ایران،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۳۷۵

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۳۷۶ ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی